

**رساله خبرالغدیر: نسخه‌ای ناشناخته از عالمانی امامی شام  
در اثبات اعلام جانشینی امام علی علیه السلام در واقعه غدیر  
(مصدق حکمران شایسته)**

لیلا نجفیان رضوی<sup>۱</sup>

محمد محدثی<sup>۲</sup>

**چکیده**

ابوالفتح محمد بن علی کراجکی (م. ۴۴۹ق) یکی از پرتالیف‌ترین عالمانی امامی شام در قرن پنجم هجری است که آثار متنوعی در فقه، کلام، حدیث، تاریخ، نجوم، ریاضیات و... نگاشته است. در میان آثار به جا مانده از او رساله‌ای مستقل در اثبات واقعه غدیر با عنوان *خبرالغدیر* نیز وجود دارد. بی شک در تحریر این اثر عقیده شیعیان در خصوص معرفی امام علی علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در واقعه غدیر خم موثر بوده است. امری که سبب شده شیعیان مصداق شایسته‌ترین حکمران پس از رسول خدا را تنها امام علی علیه السلام بدانند. چگونگی اثبات این امر در رساله *خبرالغدیر* مسئله پژوهش حاضر است.

نتیجه این پژوهش توصیفی - تحلیلی آنست که کراجکی با طرح پرسش‌هایی چهارگانه پس از شرح واقعه تاریخی غدیر خم، می‌کوشد تا با اثبات معنای «اولی» برای «مولی» و معنای «امام» برای «اولی»، در نهایت به اثبات این امر بپردازد که تنها مصداق حکمران شایسته پس از رسول خدا در واقعه غدیر، امام علی علیه السلام بوده و مابقی ادعاهای طرح شده از سوی اصحاب سایر فرق باطل است.

واژه‌های کلیدی: واقعه غدیر خم، پیامبر اسلام، امام علی علیه السلام، مولی، حکمران شایسته.

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)  
۲. دانش‌آموخته کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه فردوسی مشهد



## ۱. مباحث مقدماتی

### ۱-۱. مقدمه

با آغاز دوران غیبت و به ویژه غیبت کبری (۳۲۹ ه. ق) و در خلاء وجود ظاهری آخرین امام شیعیان، اثبات حقانیت تشیع اثنی عشری با تمرکز بر دو بحث واقعہ غدیر و اعلام جانشینی امام علی علیه السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ابعاد مختلف غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله مسائل پیش روی عالمانی امامی مذهب بود. چراکه اثبات دعاوی شیعیان در خصوص اولین و آخرین امامشان؛ اثبات کننده حقانیت وجودی آنها بود. بدین ترتیب عالمان برجسته‌ای امامی به عنوان مراجع پاسخ‌گویی به مسائل، شبهه‌ها و ابهام‌های دینی شیعیان، به فراخور مطالبه محیط به تالیف آثاری در خصوص یک و یا هر دو موضوع پیشتر گفته شده، پرداختند.

در این دوران تسلط حکمرانان شیعی هم چون آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ ه. ق) در مناطق ایران و عراق، فاطمیان (۲۹۷-۵۶۷ ه. ق) در مصر و شام و وجود حکومت‌های محلی هم چون بنی عمار (۴۶۰-۵۰۲ ه. ق) و بنی مرداس (۴۱۴-۴۷۲ ه. ق)، شرایط را برای عالمانی شیعه مهیتر می‌ساخت تا علاوه بر تدوین اصول فقهی، حدیثی و کلامی شیعه به تربیت شاگردان موفق پردازند که طلایه دار پرچم تشیع در قرن‌های بعدی باشند. کراچکی (م. ۴۴۹ ه. ق) از جمله این شاگردان بود که محضر بسیاری از عالمانی برجسته دوران خود را درک نمود و با حضور و اقامت در شام و مصر منشاء خدماتی ارزنده برای تشیع اثنی عشری شد. او در ادامه راه بزرگان پیش از خود، واقعہ غدیر خم را مورد توجه قرار داد و با آموخته‌های خود در مکتب بغداد، سعی بردفاع از اصل اثبات جانشینی بلا فصل امام علی علیه السلام پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آثارش داشت. تمرکز

ویژه او بر این امر در نگارش رساله خبرالغدیر با روی آوردی تاریخی - کلامی تجلی یافته است. نکته حائز اهمیت پرداختن کراچکی به موضوع غدیر در سرزمین شام است. چراکه در این دوران این سرزمین تحت سیطره فاطمیان بوده که اکثریت مردم آن اهل سنت و یا شیعه اسماعیلی بوده اند. با این حال به نظر می رسد کراچکی از تسامح مذهبی فاطمیان که زمینه را برای مناظرات و مباحث مختلف مذهبی و دینی مابین عالمانی شیعه و سنی از یک سو و مسلمان و اهل کتاب از سوی دیگر فراهم آورده بود، نهایت بهره را برده و با نگارش رساله ای در خصوص واقعه غدیر سعی در اثبات حقانیت دعاوی شیعیان اثنی عشری در سرزمینی با حداقل هواداران را داشته است. علاوه بر آن تولید این متن در شام را می توان بازگو کننده این امر دانست که در شام قرن پنجم هجری بحث غدیر نیز از جمله مباحث مورد مجدلایل عالمان بوده و این مطالبه بیرونی انگیزه کراچکی در نگارش این رساله بوده است. از این رو در پژوهش حاضر کوشش شده تا به شیوه توصیفی - تحلیلی و با روی آوردی متن محور - و تکیه بر رساله خبرالغدیر - چگونگی اثبات اعلام جانشینی امام علی علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله در واقعه غدیر روشن گردد. تحقیقی که ثمره آن، شناسایی شایسته ترین مصداق حکمران شایسته پس از پیامبر خدا برای ولایت بر جهان اسلام و نفی دیگر رقیبان داخلی (شیعه زیدی و اسماعیلی) و خارجی (فرق مختلف اهل سنت) است.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش های ارزش مند بی شماری که در خصوص مساله غدیر خم انجام گرفته، مساله پژوهش حاضر که با تکیه بر متنی تولید شده در سرزمین شام شکل گرفته است، پیشینه ای ندارد. با این حال توجه به بخش هایی از این موضوع و به خصوص توجه به معانی و کاربرد واژه «مولی» را در قالب کلان و نه با تکیه بر متنی تخصصی، می توان در برخی تحقیقات پیشتر انجام شده دنبال کرد. به عنوان نمونه در مقاله «حدیث غدیر و تحلیل و تبیین معنای مولی در آن از منظر شیعه» به بررسی معنای کلمه مولی در قرآن کریم و روایات اهل بیت پرداخته شده و از اختصاص آن به خداوند متعال سخن گفته شده است (برنجکار و غلامی، ۱۳۹۳). نکته جالب توجه در این مقاله، پرداختن مولفان به بحث امکان تفویض این کلمه به سایرین از سوی خداوند متعال است (همان، صص ۶۳ تا ۸۲).

یکی دیگر از پژوهش هایی که به صورت تخصصی در باب کلمه مولی انجام گرفته، مقاله

«تأثیرپذیری نگرش‌های کلامی از معناشناسی واژه مولی» اثر نظری توکلی است. نویسنده در این مقاله کلمه مولی را با نگرشی دقیق از جهات مختلف مورد کنکاش قرار داده و این کلمه را به لحاظ معنایی، محتوایی و کاربردی نقد و بررسی نموده است. علاوه بر آن به دیدگاه‌های علمانی شیعه نیز توجه داشته و برخی دلایل آن‌ها را ذکر نموده است (نظری توکلی، ۱۳۸۶). در نهایت نیز می‌توان از پژوهش‌های انجام شده پیرامون کلمه مولی به مقاله «بررسی ترجمه واژه در مولی حدیث غدیر؛ از دیدگاه شیعه و اهل سنت» اشاره کرد. در این تحقیق نویسنده پس از بررسی احادیث و قرائن پیرامون این موضوع به استدلال‌های شیعه در باب واژه مولی استناد داشته و این استدلال‌ها را در انطباق با آن‌چه در عصر نزول وحی به مردم رسیده، برابر می‌داند و بر این اساس بدون هیچ تردیدی کاربرد این واژه در معنای مورد نظر شیعیان در واقعه غدیر خم درست می‌داند (رخشانی، ۱۳۹۴).

این پژوهش‌ها در ضمن ارزش‌مندی، خلاء تمرکز بر متون تخصصی نگاشته شده توسط اندیش‌مندان شیعی در قرون نخستین را آشکار ساخته و ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر را مشخص می‌سازد. در ادامه ابتدا حیات علمی کراچکی به طور گذرا مرور شده است. سپس با تمرکز بر متن رساله خبر الغدير، شیوه عمل نویسنده برای رسیدن به منظور نظر، گام به گام رصد شده است.

### ۱-۳. حیات علمی کراچکی

تاریخ تولد «ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان الكراچکی» (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: صص ۱۱۸ و ۱۱۹). نامشخص است. نعمه با توجه به کتاب کنز الفوائد - که مشهورترین اثر اوست - و استناد به اولین حدیثی که در سال ۳۹۹ هجری در شهر میافارقین روایت کرده (کراچکی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۳۳۳)، تولد او را سال ۳۷۴ هجری دانسته است (مقدمه نعمه بر کنز الفوائد، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۱۳). سالی که به نظر می‌رسد در تخمین آن احتیاط زیادی شده است زیرا نعمه سن معمول کسب اجازه برای نقل حدیث را ۲۵ سالگی در نظر گرفته است.

در خصوص خاستگاه کراچکی نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. واژگانی مانند «الخیمی»، «الکرخی» و «کراچکی» در ضبط نام کامل او سبب این امر است. به طوری که طریحی، کراچکی را اهل روستای «الخیم» در مصر خوانده (۱۳۶۲ش: ج ۲، ص ۳۹۹) و سید حسن صدر نیز آن را تکرار نموده است (۱۳۸۳ش: ص ۳۸۷)؛ بعضی با تمرکز بر کلمه «کرخی»، از شیعیان محله کرخ

بغداد (یافعی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۵۴) و برخی با تأکید بر «کراچک» و اشاره به وجود روستایی گمنام در نزدیکی شهر واسط به همین نام، از اهالی عراق دانسته‌اند (مقانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۳۲؛ قمی، ۱۴۲۹: ج ۳، ص ۱۰۹؛ تهرانی، ۱۴۳۰ق: ج ۲، ص ۱۷۹). این در حالی است که برخی همانند ابن حجر (م. ۸۵۲) واژه «کراچک» را «ساخت خیمه» معنا نموده (۱۳۹۰ق: ج ۵، ص ۳۰۰) و شهرت این عالم به کراچکی را به دلیل اشتغالش به این حرفه می‌دانند اما حرفی از خاستگاه او به میان نمی‌آورد. پژوهشی نوین با تکیه بر شواهد، نظری جدید در خصوص تعلق کراچکی به میافارقین و اشتغال خاندان او به خیمه‌دوزی در این شهر را نیز مطرح نموده است (محدثی، ۱۳۹۹: ص ۲۶).

از اساتید او می‌توان به شیخ مفید (م. ۵۴۱۳. ق)، ابن شاذان قمی (م. حدود ۵۴۲۰. ق) و ... اشاره کرد (محدث نوری، ۱۴۰۸: ج ۲۱، صص ۱۳۸ تا ۱۴۵). منابع شاگردان فراوانی برای او نقل نکرده‌اند (مقدمه نعمه برکنز الفوائد، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ص ۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۳۵؛ تهرانی، ۱۴۰۸ق: ج ۲۳، ص ۲۵۱) اما برای آگاهی بر علوم متنوعی مانند پزشکی، نجوم، فقه، تاریخ، حدیث، کلام، ریاضیات و ... که این اندیشمند امامی بر آن‌ها احاطه داشته و آثار بسیاری که تولید کرده است، می‌توان به فهرست ارائه شده توسط محدث نوری (م. ۱۳۲۰. ق) مراجعه کرد (۱۴۰۸: ج ۲۱، صص ۱۲۶ تا ۱۳۲؛ تهرانی، ۱۴۰۸ق: ج ۱۶، ص ۳۷۹؛ نعمه، ۱۴۰۵: ج ۱، صص ۲۵ تا ۲۵۹) وفات او را در سال ۴۴۹ هجری و در صیدا ثبت نموده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵ق: ج ۲، ص ۲۹۴؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶: ج ۵، ص ۲۱۴؛ یافعی، ۱۴۱۷ق: ج ۳، صص ۵۲ تا ۵۴). در ادامه با مروری بر نحوه اثبات اعلام جانشینی امام علی علیه السلام در واقعه غدیر توسط این عالم امامی، نبوغ، تبحر او در کلام و تسلط او بر تاریخ مشخص می‌گردد.

## ۲. یافته‌ها و بحث

### ۲-۱. معرفی رساله خبر الغدير

شروع بحث کراچکی در این رساله، با توجه به احاطه او بر کلام (حرعاملی، ۱۳۸۵. ق: ج ۲، ص ۲۸۷) و تاریخ،<sup>۱</sup> با ارائه گزارشی تاریخی است. امری که توجه داشتن اندیش‌مندان

۱. کتب مختصر کتاب انساب ابن جناد والفهرست برخی از آثار کراچکی در زمینه تاریخ است (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۱ / ۱۲۷ - ۱۳۵).

امامی به تاریخ برای اثبات مباحث عقیدتی در قرن چهارم و پنجم هجری را آشکار می‌سازد. او به شرح واقعه غدیر می‌پردازد و در گام نخست اجماع راویان در خبر غدیر و در گام بعد منزلگاه نبودن غدیر خم در دوران پیامبر ﷺ را مورد تأکید قرار می‌دهد. با این مقدمه او مقصود خود و اعلام جانشینی امام علی علیه السلام در غدیر را عیان می‌سازد: «بدان و آگاه باش که روایات خاص و عام موجود اظهار می‌دارند رسول اکرم ﷺ در هنگام بازگشت از حجه الوداع در محلی به نام غدیر خم، که منزلگاه نبود، توقف کردند و در طی سخنانی بر امامت امیر مومنان تصریح فرمودند»<sup>۱</sup> (کراچکی، ۱۳۸۳ش: ص ۸۷).

کراچکی پس از ارائه این گزارش تاریخی، با پرهیز از حاشیه‌روی، هدف خود از نگارش کتاب را بر مخاطبان آشکار نموده و نتیجه نهایی را در ابتدای کار می‌آورد. او با کلام راسخ خود راه شبهه را بسته و بر باور خود مبنی بر شایستگی مطلق امام علی علیه السلام برای رهبری جامعه پس از رسول خدا صحه می‌گذارد: «بدین‌گونه رسول اکرم ﷺ همان‌طور که خداوند دستور داده بود و همان‌طور که از آن‌ها در این مورد اقرار گرفته بود، ولایت امیر مومنان را برگردن امت افکند. با توجه به اقراری که حضرت رسول ﷺ در آغاز خطبه درباره اولویت خود بر مسلمانان گرفت و با توجه به این‌که لفظ مولی در نزد زبان شناسان و اهل لغت و راه و روش لغوی آن‌ها یک مفهوم را می‌رساند، نتیجه می‌گیریم که امیر مومنان از نفس مردم بر آن‌ها اولی تراست و کسی در جامعه بر دیگری اولی نمی‌شود مگر آن‌که اطاعت وی نیز بر آن‌ها واجب می‌گردد و امر و نهی وی، در میان آن‌ها جاری و نافذ می‌شود و این جایگاه در میان مردم است و نص حدیث رسول اکرم ﷺ این جایگاه را برای امیر مومنان ثابت کرده است» (همان، ص ۸۸).

این شیوه نگارش در ابتدای قرن پنجم و بیان چکیده بحث در ابتدای رساله، ذهن منظم مولف و اعتقاد راسخ او به حقانیت و شایستگی امام برای جانشینی پیامبر را آشکار می‌سازد. با این حال او برای تثبیت عقیده شیعیان امامی و جلب نظر مخاطبان فراوان اهل سنت به عنوان مرجعی پاسخ‌گو در شهرهای ساحلی شام، به تأکید بر تاریخ بسنده نمی‌کند. او در کنار نقل راه

۱. این شرحی است که پیشتر نیز برخی از مورخان در خصوص غدیر خم آورده‌اند و بیانی چنین صریح به کراچکی محدود نمی‌شود اما حاکی از تسلط او بر گزارش‌های تاریخی است. به‌عنوان نمونه یعقوبی بیان داشته‌است که پیامبر ﷺ در حج الوداع علی بن ابی طالب را به‌عنوان جانشین خود معرفی نموده‌است (۱۳۷۱ش: ۱ / ۵۰۸)

عقل را برمی‌گزیند تا بدین طریق هر خواننده منصفی بردستی سخن او مهرتائید زند. او با طرح چهار سوال و پاسخ‌گویی به آن‌ها با بهره‌گیری از علوم زمانه خود، این مهم را به انجام می‌رساند (همان).

## ۲-۲. پرسش اول

کراچکی از همان آغاز کار با صراحت، شفاف و پرصلابت سخن می‌گوید. امری که در هوشمندی او در بهره‌گیری از شرایط محیطی ریشه دارد. چراکه سرزمین‌های ساحلی شام در نیمه اول قرن پنجم هجری در تصرف فاطمیان مصر است و اعتقاد به نص پیامبر ﷺ و تصریح آن حضرت در خصوص خلافت بلافضل امام علی ع وجه مشترک عقیده‌های شیعیان امامی و اسماعیلی است (دفتری، ۱۳۹۷: صص ۶۱ تا ۶۳). از این‌روست که او پاسخ به این پرسش اولیه که «چه دلیلی بر صحت خبر غدیر دارید؟ در حالی که می‌بینیم برخی آن را باطل می‌دانند؟» (کراچکی، ۱۳۸۳ ش: ص ۸۸) را با اشاره به بُعد روانی مسئله شروع کرده و آن را برگرفته از ذهنی لجوج و کینه‌توز می‌داند. در نظر او این سوال برابر با این پرسش است که آیا پیامبر اکرم ص در حجه الوداع حج گذرانده است؟

کراچکی پس از این حاشیه‌رانی اولیه سایر ادعاها؛ علت صحت خبر غدیر را فراوانی و انتشار همگانی آن در میان مردم بیان می‌کند (همان، ۸۹) او در شرح ادعای خود ابتدا به تواتر این حدیث در بین عالمان شیعه و سیره‌نویسان اشاره کرده و بر صحت آن به لحاظ مستند بودن تأکید می‌کند اما در مرحله بعد این حدیث و واقعه را آشکار و مبرا از سند دانسته و عنوان می‌کند: «[حدیث غدیر خم] همانند سایر وقایع آشکار و حوادث معلوم است که دانستن آن‌ها نیازی به شنیدن اسناد پیوسته ندارد، درست همان‌گونه که جهت تأیید صحت وقوع جنگ‌هایی نظیر بدر، حنین، جمل و صفین نیازی به ذکر سند و بررسی اعتبار ناقلین روایت نیست. زیرا وقوع چنین جنگ‌هایی به شدت مشهور و به اندازه کافی در میان مردم معروف است و مردم آن‌را سینه به سینه و بدون اسناد معین سال به سال و قرن به قرن نقل کرده‌اند» (همانجا). این شیوه احتجاج کراچکی عیان‌کننده آن است که واقعه غدیر خم در میان مردمان

۱. مروری بر طرق استدلال کراچکی، احاطه او را بر علوم مختلف زمان‌هاش آشکار می‌سازد.



آن عصرامری شناخته شده بوده است. از این رو ورود عالمانی مانند کراچکی به این امر و نگاشتن رساله‌ای در جواب شبهات، به علت وجود مخالفان تندرو مانند ناصبیان و خوارج بوده که در دشمنی با خاندان اهل بیت صراحت داشته‌اند (کراچکی، ۱۳۸۳ش: صص ۹۰ و ۹۱). البته نباید زیرکی کراچکی را در بیان این مطلب نادیده گرفت که وی الباقی اهل سنت را خارج از این دو فرقه دانسته و امر غدیر خم را از سوی آن‌ها پذیرفته شده می‌داند. از همین رو است که این‌گونه می‌آورد که «هیچ‌کدام از مخالفان نیز سخنی در ابطال آن نگفته‌اند و ندیده‌ام که قبل از تاویل حدیث چیزی را رد و یا انکار آن گفته باشند و در این مورد راه تاویل اخبار و روایات مشبه را رفته‌اند و شروع به تاویل آن کرده‌اند» (همان، ۹۰).

با این حال کراچکی در پایان پاسخ خود به دیدگاه‌های دو تن از تکذیب‌کنندگان این خبر از محدثین اهل سنت یعنی ابن داود سجستانی (م ۳۱۶هـ. ق) و جاحظ<sup>۱</sup> (م ۲۵۶هـ. ق) پرداخته و با لحنی کوبنده، نظر سجستانی را باطل خوانده و جاحظ را سخنرانی هلو و لعب گو که سخنانش دارای تناقض است، معرفی می‌کند (همان، صص ۹۰ و ۹۱). شیوه بیانی که در کنار سخنان پیشین او و تأکیدش بر اجماع همه بر خبر غدیر مخاطب را به این جمع‌بندی می‌رساند که جز معاندین خاص و افراد لجوج، همه بر خبر غدیر، تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانشینی امام علی علیه السلام و شایسته‌ترین فرد بودن آن حضرت برای حکمرانی بر مسلمانان اجماع داشته‌اند.

## ۲-۳. پرسش دوم

کراچکی پس از اثبات اجماع در خصوص خبر غدیر، در دومین گام به اختلاف نظرهای موجود در زمانه‌اش در خصوص واژه «مولی» پایان می‌دهد. بدین منظور دومین پرسش او که نشأت گرفته از شبهات زمان هاش است، این‌گونه طراحی شده که «چه دلیلی دارید که مقصود از لفظ مولی «اولی» است در حالیکه اولی فقط یکی از معانی مولی است؟»

در پاسخ به این پرسش، کراچکی در ابتدا به معانی «مولی» از دید زبان‌شناسان توجه داشته است. این امر که این اندیشمند امامی در هراهمام به نظر متخصص آن رجوع می‌کند در نوع خود جالب توجه است. به عقیده کراچکی و از آن چه زبان‌شناسان به وی رسیده است

۱. پیرامون شخصیت جاحظ و آثار او (ر. ک. مسعودی: ۱۳۷۴ش: ۲/۲۴۱-۲۴۳)

معنی «مولی» در زبان عربی ده معنا داشته و برده قسم عنوان شده است (همان، ص ۹۴). او معنای اول و اصلی «مولی» را «اولی و سزاوار» می‌داند و بر این عقیده است که همه معانی به آن برمی‌گردد. از این رو برای اثبات مدعای خود از قرآن مدد می‌گیرد: «خدای تبارک و تعالی فرمود: پس امروز برای نجات هیچ‌یک از شما منافقان و کافران فدیة و عوض نپذیرند، منزلگاه همگی شما آتش دوزخ است و آن آتش شما را سزاوارتر است و بسیار به بد منزلی باز می‌گردید»<sup>۱</sup> (همان). گام بعد کراچکی در پاسخ به این پرسش رجوع به تفسیر مفسران و اهل لغت در خصوص معنای «مولی» در آیه فوق است. چراکه او به احتجاج با مسلمانان پرداخته و بهترین شیوه در مستند نمودن سخن، تمسک به آیات قرآنی است. او ابراز می‌دارد که «بر حسب نظر مفسران و اهل لغت مراد خداوند تبارک و تعالی در آیه فوق از لفظ مولی همان اولی است» (همان). اما به این نیز بسنده نکرده و محتوای کتب متقدمان اهل سنت را نیز به مدد گرفته و می‌آورد: «ابوعبیده معمر بن المثنی در کتاب معروف خود المجاز فی القرآن این آیه را همان طور که ذکر کردیم تفسیر کرده است و جایگاه و منزلت ابوعبیده در زبان عرب معروف و مشهور است» (همان). او پس از ارائه این دلایل به معانی دیگر مولی نیز اشاره کرده و معانی‌ای همانند «آزاد کننده»، «برده»، «پسرعمو»، «یاری دهنده»، «ارث بر»، «هم پیمان»، «همسایه»، «امام»، «سرور» و «اطاعت شونده» را از معانی مولی می‌داند (همان، صص ۹۵ تا ۹۷). اما شیوه استدلال او پس از ذکر این معانی قابل توجه است. چراکه او به طریق منطقی و هوشمندانه به مخاطبان خود اثبات می‌کند که از میان تمام معانی گفته شده برای «مولی»، معنی «اولی» معنایی محوری است که تمام معانی دیگر به آن بازگشت می‌کند. او چنین عنوان می‌دارد که «از آن چه گفتیم معانی مختلف مولی آشکار می‌گردد و یکی از معانی آن که اصل معنی این واژه است همان اولی یا سزاوارتر است که تمامی معانی دیگر به آن باز می‌گردد، زیرا که صاحب برده در تدبیر کارهای برده و غلام خود از دیگران اولی تر است به همین علت مولای او به شمار می‌رود. آزاد کننده برده از آن جا که در خصوص میراث برده آزاده شده خود به دیگران اولی تر و مستحق تر است به همین علت مولای او به شمار می‌رود و آزاد کننده برده از آن جا که در تحمل خطای برده آزاد شده اولی تر و از دیگران به وی نزدیکتر است، مولای او به شمار می‌رود. و پسرعمو از آن جا که در گرفتن ارث از کسانی

۱. فالیوم لا یوخذ منکم فدیة ولا من الذین کفروا ما واکم النار هی مولاکم و بس المصیر (سوره حدید، آیه ۱۵)

که در نسل دورترند اولی تراست و هم‌چنین در هنگامی که نیاز به کمک کردن باشد از بیگانه‌ها اولی تراست، به همین علت مولی به شمار می‌رود. و یاری دهنده نیز از آن‌جا که متصف و مختص به یاری است به آن اولی تراست، به همین علت مولی به شمار می‌رود و اگر باقی معانی را در مورد دقت و تامل قرار دهی، خواهی دید که همه معانی در همین راستا است و معنی آن به‌گونه‌ای به اولی باز می‌گردد» (همان، صص ۹۷ و ۹۸).

این اثبات عقلی معنای «اولی» برای «مولی» که کلمه‌ای محوری در ساختار کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث غدیر است، خود بهترین گواه بر شایسته‌ترین فرد بودن امام علی علیه‌السلام برای حکمرانی پس از رسول خداست. امری که در تمامی کلام او در اثبات حقانیت جانشینی امام علیه‌السلام بر طبق واقعۀ غدیر مستتر است.

#### ۲-۴. پرسش سوم

از آن‌جا که واژه «مولی» دو بار در عبارت «من کنت مولی فعلی مولی» تکرار شده است، کراچکی برای آن‌که راه بره‌ر شبه‌ای نبندد، سومین پرسش خود را این‌گونه عنوان نموده است که «اگر ثابت شود که یکی از معانی مولی، اولی است چه دلیلی وجود دارد که مقصود از این لفظ در حدیث غدیر اولی است و منظور معانی دیگر این واژه نیست؟» (همان، ص ۸۸).

اگرچه کراچکی به کلیت این پرسش در بخش پیشین پاسخ گفته است اما این بار می‌کوشد تا با استناد بر عادات خطبه‌خوانان و اهل سخن، مخاطبان رساله را با خود همراه کند و بر آن‌ها اثبات نماید که معنایی جز «اولی» از سخن رسول الله مستفاد نمی‌گردد. او زیرکانه این امر را با استدلال عقلانی آمیخته و پس از توضیحی کوتاه بیان می‌دارد: «از عادات سخنوران، در هنگام خطبه این است که چون [بر] جمله‌ای تصریح کنند و در ادامه سخن خود به آن جمله مصرحه اشاره کنند، منظور آن‌ها از کلام اخیر، بازگشت به همان جمله پیشین است» (همان، ص ۹۸).

او در با این استدلال به تحلیل سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیث غدیر خم پرداخته و عنوان می‌کند: «این سخن رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که فرمود: من کنت مولی فعلی مولی خالی از دو حالت نیست. یا این‌که مقصود آن حضرت از لفظ مولی همان معنی اولی است که در آغاز کلام گفته است و یا این‌که مقصود آن حضرت یکی از معانی مولی است. اگر مقصود آن حضرت

حالت اول باشد یعنی چیزی است که ما به آن معتقد هستیم و به آن تکیه می‌کنیم که هیچ، اما اگر منظور آن حضرت چیز دیگری از معانی محتمله مولی باشد، پس آن حضرت مردم را به چیزی که خلاف مقصود خود بوده مورد خطاب قرار داده است و در آن سخنان، قصد خود را آشکار نکرده است و از لحاظ عقلی نیز دلیل وجود ندارد که آدمی را به آن چه که مقصود وی بوده است راهنمایی کند و این چیزی است که هیچ مومنی آن را بر رسول خدا روا نمی‌دارد مگر کسی که جاهل و بی‌قل است» (همان، صص ۹۹ و ۱۰۰). بدین ترتیب کراچکی با دست گذاشتن بر باور مشترک همه مسلمانان در زمانه خود در خصوص بری بودن پیامبر از سهو، هوشیارانه و بی‌پروا مخالفان خود را جاهل و بی‌عقل می‌خواند و با منتفی دانستن احتمال دوم، چاره‌ای جز این برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد که با رأی او همراه شوند. شجاعت، هوشیاری و شیوه استدلال این عالمی امامی در دورانی که اکثریت مردم اهل سنت بوده‌اند، در خور توجه است.

## ۲-۵. پرسش آخر

کراچکی پس از این پیشروی گام به گام در آخرین مرحله می‌کوشد تا تطابق معنای «اولی» را بر «امام» اثبات نماید و از این رهگذر شایستگی نادیده گرفته شده امام علی علیه السلام برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله را بر همگان یادآوری کند. از این رو آخرین پرسش این رساله ارزش مند این‌گونه عنوان شده است که «چه دلیلی دارید بر این که منظور از معنی اولی همان امام است؟ و چگونه از سخن مذکور چنین چیزی برمی‌آید؟» (همان، ص ۸۸).

پاسخ اولیه او به این پرسش با تمسک به کاربرد کلمه «اولی» در آن زمانه است. استدلالی که برای همگان آشنا و نزد آن‌ها پذیرفتنی است: «اما دلیل بر این که لفظ اولی به معنی امامت و ریاست برامت است و این مطلب همان است که ما در می‌یابیم، [آن است که] اهل لغت کسی را به این لفظ متصف نمی‌کنند مگر آن که مالک تدبیر کسانی باشد که از آن‌ها اولی‌تراست و بتواند در کار آن‌ها امر و نهی کند. آیا نمی‌بینید که می‌گویند: سلطان در اجرای حدود نسبت به رعیت اولی‌تراست و مولی نسبت به بنده؛ و مرد نسبت به همسر و پسر میت از سایر بازماندگان در گرفتن ارث اولی‌تراست؟ و مقصود آن‌ها از این همه، همان مطلبی است که ما یاد کردیم و لا غیر» (همان، ص ۱۰۰).

در ادامه این اندیشمند امامی از دو منظر متفاوت و با توضیحاتی مفصل پاسخ سوال را تکمیل می‌کند. بدین ترتیب که ابتدا در دست نوشته خود پیرامون لفظ و نقش کلمه «اولی» در باب امامت و ریاست امیرمؤمنان سخن می‌گوید و سپس درخصوص معانی کلمه «اولی» و ارتباط آن با امام علی علیه السلام توضیحات مبسوطی ارائه می‌کند.

سخن نخست او با پشتوانه قراردادن آن چه پیشتر آورده و تکیه بر این استدلال که اهل سخن در آوردن دو کلمه در یک جمله، یک معنا را مد نظر دارند، چنین به رشته تحریر درآمده است که «هدف رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این سخن همانا سپردن مقام ریاست و امامت به امیر مومنان علیه السلام بوده و در جایی که طاعت واجب می‌گردد، او را بر تمامی مردم مقدم داشته است. بدین ترتیب که آن حضرت با لفظ «اولی» در آغاز خطبه استحقاق ریاست خویش را بر مردم ثابت کرده است و ثابت کرده که نسبت به مردم از نفس آن‌ها اولی تر است و این که رئیس آن‌ها است و این طاعت وی بر همگان واجب است. پس با این وضعیت امیر مومنان علیه السلام نیز هم چون وی مستحق این مقام است و همانند آن نیز برای امام علی علیه السلام واجب است. گویی که آن حضرت فرموده باشد: هرکس را که من نسبت به نفس او در کذا کذا اولی هستم، پس علی علیه السلام نیز از نفس وی در آن‌ها اولی تر است» (همان، ص ۱۰۱).

آخرین استدلال او نیز ریشه در پاسخ‌های پیشین دارد. کراچکی به این امر اشاره می‌کند که با توجه به معانی موجود برای کلمه «اولی» که در پاسخ پرسش دوم اشاره کرد، هیچ معنایی جز معنای مورد قبول شیعیان قابل فهم نبوده و هیچ یک از معانی دیگری نمی‌تواند مراد و مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله است. زیرا ارتباطی با امیر مومنان علیه السلام پیدا نمی‌کند. چراکه امام علی علیه السلام نه مالک برده‌های پیامبر بوده است و نه یاری رساندن ایشان به پیامبر چیزی بوده که بر مسلمانان پوشیده باشد؛ همان‌گونه که درخصوص معنای پسرعمو چنین است. مابقی معانی نیز ارتباط معنایی و محتوایی با مفهوم حدیث غدیر و آن چه درباره امام علی علیه السلام مد نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، ندارد. بنابراین فقط و فقط یک معنی باقی می‌ماند که منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می‌رساند که کراچکی این‌گونه آن را عنوان می‌دارد: «منظور از مولی ریاست او بر مردم و فرض طاعت وی بر خاص و عام بوده است و این رتبه و مقام امام است» (همان، ص ۱۰۲). کلامی نهایی که به واسطه آن هرگونه شبهه زدوده شده و شایستگی امام علی علیه السلام برای حکمرانی بر جامعه مسلمانان پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آشکار می‌گردد.

با این حال کراچکی پس از پاسخ دادن به پرسش‌های بیان شده، مطلب را رها ننموده و باز هم از تاریخ پیرامون امامت و مولایی امام علی علیه السلام بر امت بهره جسته است. گویی وی سند بخشیدن به کلام خود را واجب می‌دانسته و بر همین امر ابتدا و انتهای رساله خود را با تاریخ شروع و پایان داده است. او در پاسخ به کسانی که سبب سخن پیامبر را مشاجره امام علی علیه السلام و زید بن حارثه می‌دانند، ابتدا سخن آن‌ها را بیان داشته و سپس با رجوع به تاریخ به ابطال آن می‌پردازد.

کراچکی در شرح مبنای سخن اشتباه آن‌ها آورده است: «اما کسانی که به اشتباه افتاده و گفته‌اند سبب و علت سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر این بوده است که بین امیر مومنان علیه السلام و زید بن حارثه مشاجره کلامی در گرفت و علی علیه السلام به زید فرمود: چگونه چنین چیزی می‌گویی در حالیکه من مولای تو هستم؟ زید گفت: تو مولای من نیستی، بلکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مولای من است. به همین علت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر به پا خواست و فرمود: هر که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای اوست، تا سخن زید را انکار کند و به او بفهماند که علی مولای اوست»<sup>۱</sup> (همان، ص ۱۰۳). او در ادامه با تحلیلی تاریخی که از آگاهی وی از تاریخ خبر می‌دهد این ماجرا را رد می‌کند. او در متن تالیفی خود دقت نظر خود را عیان کرده و می‌آورد: «دانستن این موضوع که زید همراه با جعفر بن ابی طالب، چند سال قبل از غدیر خم در جنگ موته شهید شده بود، آن‌ها را رسوا ساخت و باید گفت که حادثه غدیر خم در حدود هشتاد روز قبل از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی داده و مدعیان چنین نظری نسبت به سیره و اخبار صدر اسلام آشنایی ندارند» (همان، ص ۱۰۴) سخنی که با ختم کلام خود به آن، راه را بر هر محاجره‌گری می‌بندد و مخاطب منصف را به تأیید وقوع واقعه غدیر با هدف اعلام جانشینی امام علی علیه السلام به جای پیامبر او می‌دارد.

۱. نقل این ماجرا در کتاب العقد الفرید (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ق: ۳۵۷/۵) آورده شده است و با توجه به متقدم بودن ابن عبدربه (۳۲۸هـ.ق) بر کراچکی، این امکان وجود دارد که کتاب وی از سوی کراچکی مطالعه شده و پاسخ این اندیشمند امامی در واکنش به مطلب او است. هر چند که کراچکی از منبع این مطلب در اثر خود نام نبرده است. ۲. با توجه به اختلاف نظر موجود در خصوص ماه رحلت پیامبر اکرم در متون تاریخی، کراچکی را می‌توان از زمره کسانی دانست که رحلت پیامبر اکرم را در ماه ربیع الاول می‌داند (یعقوبی، ۱۳۷۱ش: ۱/۵۰۹؛ طبری، ۱۳۷۵ش: ۴/۱۳۲۶؛ مسعودی، ۱۳۶۵ش: ۲۵۷).

### ۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آن چه در این نوشتار آمد در نگاهی کلان و در سطحی بیرونی و قابل درک برای همگان، دفاع عالمی امامی در ابتدای قرن پنجم هجری از حقانیت مدعی شیعیان در خصوص تصریح پیامبر ﷺ به جانشینی امام علی علیه السلام پس از ایشان است. اما در سطحی ژرف‌تری توان دریافت که اثبات این عقیده، مصداق حکمران شایسته بودن امیرمومنان برای ولایت بر مسلمانان از منظر خدا و رسول او را در خود مستتر دارد. اما در این میان آن چه قابل توجه است نحوه رسیدن این اندیشمند امامی به منظور نظر خویش است. او با طرح محوری‌ترین پرسش‌های شبهه‌برانگیز پیرامون این خبر و پاسخ‌گویی به آن‌ها این مهم را به انجام رسانیده است. نگاه درون دینی کراچکی در پاسخ‌های او کاملاً مشهود است و استفاده از استدلال‌هایی عقلانی و قابل پذیرش توسط مخاطبان بهترین مستمسک او برای رسیدن به منظور نظر است. حدیث، تاریخ، زبان‌شناسی و تفسیر، ابزار کراچکی در دفاع از حقانیت ولایت امام علی علیه السلام است.

اما در نگاهی جزئی و خردتری توان دریافت که کراچکی در چهار گام و با پاسخ به چهار پرسش محوری که هوشمندانه طراحی شده‌اند، منظور نظر خود و عقیده شیعیان در خصوص واقعه غدیر خم را به اثبات رسانیده است. او بدین منظور ابتدا متواتر بودن خبر غدیر را مورد تأکید قرار داده و انکار آن را محصول اذهان لجوج و کینه‌توز می‌خواند. با اثبات تواتر خبر و قطعی بودن آن با بهره‌گیری از علم لغت معنای «اولی» را از میان معانی ده‌گانه بیان شده برای واژه «مولی» اثبات نموده و از قرآن و آثار لغویان بزرگ اهل سنت برای سخن خود شاهد می‌آورد. کراچکی برای زدودن هرگونه شبهه در گام بعد به اثبات معنای «اولی» برای دومین واژه «مولی» در حدیث «من کنت مولی...» می‌پردازد و شیوه اهل خطابه را در این خصوص شاهد آورده و پاسخ سومین پرسش را با تأکید بر عدم سخن‌گویی پیامبر ﷺ بر شیوه‌ای جز آن پایان می‌دهد. در نهایت نیز با استمداد از سخنان پیشین معنای «امام» را برای «اولی» ثابت نموده و با استدلالی منطقی، امام علی علیه السلام را مانند پیامبر واجب‌الاطاعه و اولی بر انفس کافه مسلمانان می‌خواند. امری که به واسطه آن حجت را بر مخاطب منصف خود تمام نموده و راه را بر سخن لجوجان می‌بندد. او نگاشته خود را همانند آغاز کلام، با ذکر خبری تاریخی و البته ابطال آن به پایان می‌برد. احتجاج مبتنی بر منطقی که از طریق آن می‌توان مصداق شایسته‌ترین حکمران پس از پیامبر ﷺ را در منظومه فکری کراچکی امام علی علیه السلام دانست.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۸۰ش، *معالم العالمان فی الفهرست کتب الشیعه و اسماء المصنفین منهم قدیما و حدیثا*، تحقیق: سید محمدصادق، بحرالعلوم، المطبعه الحیدریه، نجف.
۳. ابن عبد ربّه الاندلسی، ابو عمر شهاب الدین احمد بن محمد، ۱۴۰۴ق، *العقد الفرید*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۴. ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد، ۱۴۰۷ق، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، دار ابن کثیر، دمشق.
۵. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۰۸ق، *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، اسماعیلیان، قم.
۶. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، ۱۴۳۰ق، *طبقات اعلام الشیعه*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۷. بحرالعلوم، محمد مهدی، ۱۳۶۳ش، *فوائد الرجالیه*، تحقیق: محمدصادق، بحرالعلوم، مکتبه الصادق، تهران.
۸. برنجکار، رضا؛ غلامی، اصغر، ۱۳۹۲ش، *حدیث غدیر و تحلیل و تبیین معنای مولی در آن از منظر شیعه*، فصل نامه شیعه شناسی، قم، شماره ۴۱، صص ۶۳ تا ۸۲.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۲ش، *امل الامل*، تحقیق: سید احمد، حسینی، نمونه، قم.
۱۰. خوانساری، محمدباقر، ۱۳۹۰ش، *روضات الجنات فی احوال العالمان و السادات*، اسماعیلیان، قم.
۱۱. دفتری، فرهاد، ۱۳۹۷ش، *تاریخ تشیع*، ترجمه: رحیم، غلامی، فرزانه روز، تهران.
۱۲. دوانی، علی، بی تا، *مفاخر الاسلام*، امیرکبیر، تهران.
۱۳. ذهبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵ق، *العبر فی خبر من عبر*، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۱۴. رخشانی، فاطمه، ۱۳۹۴ش، *بررسی ترجمه واژه در مولی حدیث غدیر از دیدگاه شیعه و اهل سنت*، *مجموعه مقالات همایش سراسری اخلاق و آداب حسینی*.
۱۵. سبحانی، جعفر، ۱۴۱۸ق، *موسوعه طبقات الفقهاء*، اللجنة العلمیه فی موسسه الامام الصادق، قم.
۱۶. صدر، حسن، ۱۳۷۵ش، *تاسیس الشیعه*، اعلمی، بی جا.
۱۷. طبری، محمد بن جریر، ۱۳۷۵ش، *تاریخ طبری*، ترجمه: ابوالقاسم، پاینده، اساطیر، تهران.
۱۸. طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲ش، *مجمع البحرین*، تحقیق: سید احمد، حسینی، مرتضوی، تهران.



۱۹. عسقلانی، احمد بن علی، ۱۳۹۰ق، لسان المیزان، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت.
۲۰. قلی، عباس، ۱۴۲۹ق، الکنی واللقاب، اسلامی، قم.
۲۱. کراچکی، محمد بن علی بن عثمان، ۱۳۸۳ش، التفضیل و خبر الغدیر، ترجمه: احسان، مقدس، نیلوبرگ، تهران.
۲۲. -----، ۱۴۰۵ق، کنز الفوائد، تصحیح: عبدالله، نعمه، دارالأضواء، بیروت.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، تحقیق: سید ابراهیم، میانجی، محمدباقر، بهبودی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۴. محدث نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق: موسسه آل البيت علیه السلام، قم.
۲۵. محدثی، محمد، ۱۳۹۹ش، کاربست تاریخ در آثار ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی لیلا نجفیان رضوی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. مسعودی، علی بن حسین، ۱۳۶۵ش، التنبيه والإشراف، ترجمه: ابوالقاسم، پاینده، علمی و فرهنگی، تهران.
۲۷. ممقانی، عبدالله، بی تا، تنقیح المقال فی علم الرجال، موسسه آل البيت قم.
۲۸. منتجب الدین، علی بن عبیدالله، ۱۳۶۶ش، الفهرست، تصحیح: جلال الدین، محدث ارموی، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، قم.
۲۹. مهاجر، جعفر، بی تا، الکرارجکی، موسسه تراث الشیعه، بی جا.
۳۰. نظری توکلی، سعید، ۱۳۸۶ش، تاثیر پذیری نگرش های کلامی از معناشناسی واژه مولی، فصل نامه الهیئت و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، مشهد، شماره ۷۸، صص ۱۴۵ تا ۱۷۷.
۳۱. یافعی، عبدالله بن اسعد، ۱۴۱۷ق، مرآة الجنان و عبرة الیقظان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان، دار الکتب العلمیه، بیروت.
۳۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۷۱ش، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم، آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.